



نقش دانشگاه در توسعه پایدار و گسترش اخلاق محیط زیستی

حمید رضا ناصری^{۱*}، رضا شاکری^۲

چکیده

تخریب محیط زیست و کاهش منابع تجدید شونده طی یک قرن اخیر شتاب فزاینده ای داشته است. مفهوم توسعه پایدار بدنبال بروز بحران ها و با تکیه بر اصول فنی و اخلاقی در میان جامعه بشری قرن بیستم ظهور یافت. از دهه ۷۰ میلادی دانشگاه ها در خصوص مسایل محیط زیست فعالیت بیشتری از خود نشان دادند. تجربیات جهانی نشان می دهد که وارد شدن اصول اخلاقی در مفهوم توسعه پایدار امکان غلبه بر مسایل و مشکلات محیط زیستی را فراهم می سازد و از سویی گسترش رویکرد توسعه پایدار خود در گروه مسئله مهم آموزش می باشد و سیستم آموزشی در این میان نقش مهمی را بر عهده دارد. دانشگاه به عنوان یکی از ارکان مهم تربیت کننده نیروی متخصص و همچنین محل صدور اندیشه های متعالی توسعه نقش مهمی در گسترش اخلاق محیط زیست بر عهده دارد. در کشور با وجود مراکز تربیت نیروی انسانی در حوزه محیط زیست به علت اتخاذ رویکرد فنی در حوزه محیط زیست توفیق چندانی در جهت گسترش مفهوم توسعه پایدار و اخلاق محیط زیست نداشته اند و ایجاد تخصص های بین رشته ای در حوزه اخلاق و محیط زیست از ضروریات برای دستیابی به توسعه پایدار است.

کلید واژه ها: تخریب محیط زیست، اخلاق، توسعه، آموزش

۱ نویسنده مسئول: استادیار، مرکز تحقیقات بین المللی بیابان، دانشگاه تهران، رایانامه : hmaseri@ut.ac.ir

۲ استادیار، گروه محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی خاتم الانبیا، بهبهان

مقدمه

بقای تمامی موجودات زنده بر روی زمین وابستگی کامل به حفظ تعادل و تناسب بهره برداری از منابع طبیعی و محیط زیست دارد. انسان به عنوان یک موجود هوشمند در مسخر ساختن و بهره برداری از منابع طبیعی نسبت به سایر موجودات برتری غیر قابل انکاری از خود نشان داده است. طی دو قرن اخیر شتاب فزاینده توسعه علوم مختلف این امکان را به انسان داده است تا در بهره برداری بیش از پیش از طبیعت اقدام کند و بدیهی است توانمندی انسان در بهره برداری از محیط زیست پیامدهایی گاه منفی را به دنبال خود داشته است. نتایج منفی بهره برداری انسان از منابع طبیعی، در کاهش تنوع زیستی، انقراض برخی گونه های گیاهی و جانوری، بحران آب، آلودگی هوا و گرمایش جهانی تبلور یافته است (اسکار و مکنزی^۱، ۱۹۸۳: ۴). بدون شک بحرانهای زیست محیطی معاصر، زاینده اندیشه های مادی نگر، توسعه طلب، سلطه جو و پیامد ناگوار اشتهای سیری ناپذیر برخی سیاستمداران، مدیران اقتصادی و بینظمی آشفتهی و جهالت عملی انسان در جهان لست (کلارک^۲، ۱۹۹۵: ۸۵۴)

بروز مشکلات محیط زیستی در قرن حاضر و قرن بیستم باعث شد که مبحث محیط زیست به عنوان یک بحث سیاسی- اجتماعی صورت جدی بگیرد. پیمان های بین المللی و موافقت های مختلف بین دولت ها در همین راستا شکل گرفته اند. به طوریکه تاکنون حدود ۲۸۰ پیمان و موافقت نامه بین المللی و منطقه ای در زمینه حفاظت محیط زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد شده است که از این میان حدود ۷۰ پیمان (کنوانسیون) و الحاقیه (پروتکل) جنبه جهانی داشته و مابقی منطقه ای بوده است (یزدی، ۱۳۸۵: ۱) عزم جهانی برای حفاظت محیط زیست با تشکیل اولین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست معروف به پیمان استکهلم در ۵ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم سوئد جنبه عینی پیدا کرد، به طوریکه حقوق برخورداری انسان از محیط زیست سالم هم تراز با حقوق بشر شناخته شد. شدت مشکلات و معضلات محیط زیست و منابع طبیعی در کشورهای مختلف در یک سطح نیست و تفاوت های آشکاری در این میان دیده می شود. طبق گزارش شاخص عملکرد زیست محیطی (EPI3) در سال ۲۰۱۶، که دانشگاه ییل در بین ۱۸۰ کشور سراسر جهان و بر مبنای «حفاظت از اکوسیستم های طبیعی و سلامت انسان ها» ارزیابی کرده است فنلاند

1- Scarr, & McCartney

2- Clark

3- Environmental performance index

در جایگاه نخست و ایران در رتبه صد و پنجم حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی و سلامت انسان‌ها قرار دارد (استی و امرسون^۱، ۲۰۱۸: ۶)

لطیفی پور و همکاران^۲ (۲۰۱۰: ۵۱۱۷) بیان می‌کنند که در ایران مسایل محیط زیستی طی سالهای گذشته به دلیل افزایش آلاینده‌ها و همچنین بروز خشکسالی و تغییر اقلیم که کاهش کیفیت محیط زیست را در پی داشته است مورد توجه قرار گرفته است. هر چند توجه به مساله محیط زیست و قرار گرفتن آن در کانون توجه مردم و مسئولین موضوع قابل توجهی می‌باشد، اما تصمیم سازی در این خصوص نتایج عینی قابل لمس و درخور مسایل را در پی نداشته است. شتاب فزاینده توسعه و مصرف منابع موجود در کشور مانع از آن می‌شود که برخی از سیاست‌های محیط زیستی کارآمدی لازم در حفظ اکوسیستم‌های مختلف داشته باشد. برای احتراز از نابودی مطلق محیط زیست، همه انسان‌ها از سیاست‌گزاران، تصمیم‌سازان و سایر مردم- در ابعاد جهانی، ملی و به ویژه در سطح محلی باید این واقعیت مهم را دریابند که پیشرفت و توسعه باید الزاما روندی پایدار داشته باشد و از ثمرات آن نه تنها نسل‌های حاضر، که نسل‌های آینده نیز بهره‌مند شوند (واعظ مدنی، ۱۳۹۶: ۱). نظریه پردازان معتقدند تمام مشکلات زیست محیطی که ناشی از فعالیت‌های انسان است، با به کارگیری فناوری صرف حل نمی‌شوند و تغییرات در رفتار انسان مورد نیاز است (سواری مینی و خسروی پور، ۱۳۹۷: ۳). بدیهی است تغییر در رفتار انسان از ذهن آغاز می‌شود و ذهنیت افراد نیز خود متاثر از گزاره‌های مختلف اخلاقی است. ضرورت پرداختن به اخلاق بویژه در حوزه محیط زیست از ضروریات و کلید غلبه بر مشکلات موجود محیط زیستی است و در این میان دانشگاه به عنوان تربیت‌کننده متخصصان و تصمیم‌سازان این حوزه به جایگاه ویژه و خاصی دارد.

در این مقاله سعی می‌شود تا ضمن بررسی رابطه اخلاق و محیط زیست به جایگاه دانشگاه به عنوان پیشگام ترویج اخلاق محیط زیستی پرداخته شود و چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این رابطه مورد واکاوی قرار گیرد.

روش‌شناسی

این مطالعه بر پایه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بررسی متون علمی مرتبط با موضوع انجام شده است و نهایتاً در جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از این منابع به کار گرفته شده است.

1- Esty & Emerson

2 - Lotfalipour et al.

نتایج

اخلاق و اخلاق مداری

اخلاق در لغت به معنی خلق و خوی و عادت است که مطابق با عقاید و ارزش های ما شکل می گیرد. در تعریف اخلاق در لغت نامه کمبریج آمده است که اخلاق یک سیستم از قوانین پذیرفته شده رفتاری که بر اساس آنچه درست و نادرست می باشد شکل می گیرد (دانشنامه کمبریج، ۲۰۱۸). در میان متفکرین اسلامی اخلاق عبارت است از صفات و ویژگی های پایدار در نفس که موجب می شود افعالی متناسب با آن صفت، به طور خودجوش از انسان صادر شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، باب ۵۹).

جنبه‌ی مهم علم اخلاق وجود بعد عملی آن در کنار ابعاد شناختی و معرفتی آن است چرا که علم اخلاق علاوه بر گفتگو از صفات نفسانی خوب و بد، از اعمال و رفتار متناسب با آن‌ها نیز بحث می کند، و هم چنان راه کارهای رسیدن به فضیلت‌ها و دوری از ردیلت‌ها را نیز مورد بررسی قرار می دهد.

در اخلاق دین‌مدار نتیجه یک عمل اخلاقی ممکن است در جهان دیگر که فرا مادی است نیز اتفاق بیافتند اما در اخلاق غیر دینی، رخداد نتیجه‌های دلخواه برای مثلاً جامعه انسانی، تنها در جهان مادی مد نظر است. در این شکل از نگرش به اخلاق الگوهای اخلاقی و این که چه اموری نتیجه‌هایی دلخواه برای جامعه انسانی دارند، ممکن است با اجماع روانشناسان و جامعه‌شناسان برجسته تعیین شود و الزامات متولیان دینی در آن نقشی نداشته باشند (برینک، ۲۰۰۶: ۵۶). این بدان معناست که پیامدگرایی در اخلاق اصلی است که می تواند در حوزه های مختلفی چون محیط زیست نیز مورد توجه باشد و در تکمیل اخلاق فرد بویژه در قرن حاضر نقش مهمی ایفا کند. باید توجه داشت که عملگرا شدن انسان‌ها در حوزه اخلاق نیازمند آموزش نیز می باشد که از آن به تربیت اخلاقی یاد می شود، مراد از تربیت اخلاقی چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به سعادت و فضایل اخلاقی و دوری از ردیلت‌ها است (دیلمی، ۱۳۷۹: ۲۴).

بر اساس نظر اندیش‌مندان تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده است، امروزه نیز به رغم نفوذ دانش بشری در زمینه‌های زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی در ساحت تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکارتر شده که علم و دستاوردهای فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی

مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشت باشد زیرا بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است (شکوهی، ۱۳۹۰: ۶۲).

محیط زیست و توسعه پایدار

در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست آنچه هدف اصلی است حفظ محیط زیست و منابع تجدید شونده آن مشتمل بر آب، خاک، هوا و موجودات زنده می باشند و الزاما بهره برداری از آنها نیز باید در حد معقول و بر اساس ظرفیت صورت گیرد (مقدم، ۱۳۸۸: ۳۲۱). بدیهی است که رشد و توسعه جوامع بشری در تمامی ابعاد رابطه تنگاتنگی با این منابع دارد. طی یک قرن اخیر نیاز به منابع جهت توسعه در بسیاری از موارد از میزان منابع موجود پیشی گرفته است و نتیجه آن چیزی جز تخریب محیط زیست و بروز برخی بحران‌ها نبوده است. در فلسفه زیست محیطی معاصر، اصلی‌ترین منبع تفکیک اخلاق زیست محیطی نلشی از دو دیدگاه است. کورال ورداگو و همکاران^۱ (۲۰۰۳: ۲۵۱) بر انسان محور بودن این فلسفه اعتقاد دارند در حالی که استرن و همکاران (۱۹۹۳: ۳۳۲) قائل به انسان محور بودن این فلسفه نمی‌باشند و معتقدند که انسان خود جزئی از محیط زیست می باشد. بر خلاف دیدگاه اول که ارزش را به انسان می دهد و طبیعت را ابزاری در دست انسان برای بهره برداری می انگارد در رویکرد دوم بر حفظ جایگاه اخلاقی سایر موجودات زنده یا زیست‌بوم به عنوان یک کلیت تاکید دارد. قرآن کریم در آیات متعدد از جمله آیه ۱۰۷ سوره بقره مالکیت همه اشیاء را از آن خدا دانسته و مالکیت انسان نسبت به اموال را مالکیت قراردادی می داند که از سوی خدا به افراد تفویض شده است و از این منظر در خصوص امانات مختلف من جمله محیط زیست انسان را مسئول می داند. طی ۵۰ سال گذشته رویکرد دوم بنا به دلایل متعدد تقویت شده است چرا که آثار مخرب رویکرد اول آشکارتر شده است و لزوم پایبندی به اخلاق محیط زیستی هر روز بیش از پیش ضرورت یافته است.

اخلاق محیط زیستی، به عنوان یک زمینه مطالعه فلسفی، در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، بخشی از نتایج حاصل از جنبش محیط زیست است که عمدتاً در فعالیت های حوزه انگلیسی و آمریکایی آغاز شد. ریشه های این شاخه از اخلاق به ردیابی در اکتشافات مهم تاریخی قرن بیستم، مانند انرژی هسته ای و یا سموم دفع آفات شیمیایی و استفاده بیش از حد یا سوء

استفاده از آنها بر می‌گردد (شاردر^۱، ۱۹۸۱: ۴۲). آگاهی از میزان تخریب محیط زیست با این فن آوری ها باعث شد که حساسیت های جامعه بشری نسبت به تخریب محیط زیست بالا برود. دو نمونه از چگونگی سوءاستفاده از این فناوری که باعث ایجاد خسارتهای شدید در محیط زیست و در نتیجه سوالات اخلاقی جدید شد استفاده از DDT و قدرت هسته ای بود. از این منظر سوالات جدید اخلاقی پدیدار شد که متولیان توسعه باید به آن پاسخ می دادند. امروزه و پس از پدیدار شدن مشکلات محیط زیستی، افزودن مفاهیم اخلاقی، معنوی و غیرمادی به ارکان توسعه پایدار ضرورت پیدا کرده است. کلاگستون^۲ (۲۰۱۱: ۱۷۵) معتقد است که بینش و شجاعت اخلاقی در ایجاد سیاستها، برای حصول به توسعه پایدار ضروری است، همچنین در بیانیه ریو ۲۰ نیز بیداری وجدان و اخلاق، رکن اصلی برای سه رکن اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی بر شمرده شده است (تامپسون^۳، ۲۰۰۷: ۴۱). اگر انسان به عنوان اشرف مخلوقات با این دیدگاه که خود نیز بخشی از طبیعت یا محیط زیست می باشد و در این میان به علت هوشمندی مسئولیت بیشتری نیز در حفظ تعادل آن دارد برسد طبیعتا نمی تواند موجبات تخریب محیط زیست را فراهم سازد چرا که از منظر اخلاق محیط زیستی این رفتار همواره نکوهیده خواهد بود (جیمیسون^۴، ۲۰۰۸: ۱۲۵).

اخلاق محیط زیست و نظام آموزشی

ورنادسکی^۵ (۱۹۹۱: ۱۰۲) به عنوان نظریه پرداز نئوسفر^۶ معتقد است که جهان پایدار را انسان های اخلاق مدار و خلاق می سازند. دو ابزار مهم برای دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر رعایت اخلاق محیط زیستی مشتمل بر دو رکن آموزش و سیاست می باشد (نیکولادیس^۷، ۲۰۰۶: ۴۱۵). بدیهی است که ترویج دیدگاه های اخلاقی در حوزه محیط زیست برای دستیابی به توسعه پایدار نیازمند ساز و کار آموزشی است و از سویی توسعه پایدار می تواند یک موضوع پر چالش و مهم اجتماعی، اقتصادی یا زیست محیطی برای هر کشوری باشد (وین کالدر و کلاستون، ۲۰۰۳: ۱۲). چندین دهه آموزش سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار این دیدگاه را روشن کرده است که قدم اول در راه رسیدن به توسعه پایدار در جامعه ریشه در سیستم آموزشی دارد که در آن به ارکان شخصیتی چون کیفیت تفکر، توانایی

1- Shrader

2 -Clugston

3 -Thompson

4 -Jamieson

5 -Vernadsky

6 -noosphere

7 -Nicolaidis

الگوسازی و ساختن آینده، ارزش های اخلاقی، آرمان ها و اشتیاق معنوی توجه شده باشد (ناسبولینا، ۲۰۱۵: ۱۰۷۹)، از این رو، جامعه به کادرهای آموزشی واجد شرایطی چون تفکر جامع فرهنگی مدرن، پایبند به ارزشهای اخلاقی و سطح بالای فرهنگ محیط زیستی نیاز دارد تا نظام آموزشی و تربیتی نوین براساس اصول ضروریات زیست محیطی و اخلاقی به روز شود. با عنایت به وجود مشکل در نظام های آموزشی، سازمان ملل کنفرانس آموزش برای توسعه پایدار را در نوامبر ۲۰۱۴ در آچی-تئاگویای، ژاپن برگزار نمود. برنامه جهانی بر این واقعیت تأکید می کند که توسعه پایدار نمی تواند منحصرأ از طریق ملاحظات فنی و موافقت نامه های سیاسی و اقتصادی حاصل شود و بلکه تغییر در تفکر و نحوه ی عملکرد، از طریق آموزش نقش مهمی در دستیابی به توسعه پایدار ایفا می کند. فنون محیط زیست عموماً تکنیک هایی اصلاحی برای تغییر شرایط نامطلوب می باشند این رویکرد به این دلیل است که انسان غالباً بیش از پایش وضعیت و اقدامات پیشگیرانه، نسبت به پیامدهای مسایل پس از بروز مشکلات واکنش نشان می دهند (کریستوف، ۱۳۸۰: ۴۶). آموزه های اخلاقی، دیدگاه هایی با رویکرد پیشگیرانه و قبل از اقدام می باشند (آشنایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴). از اینرو انتظار می رود که آموزش به نحوی عمل نماید که هر فرد بتواند به دانش، مهارت ها و ارزشهای اخلاقی دسترسی پیدا کند تا به قابلیت کمک به توسعه پایدار و انجام اقداماتی برای حفظ محیط زیست، بهبود اقتصاد سبز و تلاش برای تشکیل یک جامعه عدالت محور دست یابد و به نوعی رویکردی پیشگیرانه در خصوص مسایل محیط زیست در سیستم آموزشی ترویج شود.

در سطح جهانی، رویکردهای حفظ محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن در آموزش عالی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد. برگزاری اولین روز زمین در سال ۱۹۷۰ حاصل یک تلاش دانشجویی بود. این مهم نشان می دهد که این حرکت جهانی در حوزه محیط زیست از فضای دانشگاهی نشات گرفته است و به دنبال این فعالیت مهم دانشگاهی و بالا رفتن سطح آگاهی های اجتماعی رابطه بین آموزش و توسعه پایدار جوامع بشری برای اولین بار در کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شد. اصل ۱۹ اعلامیه استکهلم بیان می کند که آموزش محیط زیست باید از کلاس های مدرسه تا بزرگسالی افراد صورت پذیرد تا مبنای نظرات روشنفکرانه و رفتار مسئولانه افراد، شرکتهای و جوامع را در حمایت و بهبود محیط در ابعاد انسانی کامل خود گسترش دهد (هلندل، ۲۰۱۲: ۱۱۲). در ایران نیز هسته اولیه دانشکده محیط زیست در شهریور ۱۳۵۳ به نام مرکز

همانگی مطالعات محیط زیست در دانشگاه تهران تشکیل شد. این دانشکده بعد از کنفرانس سران زمین در استکهلم در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۲ میلادی) و توجه جهانی به محیط زیست با عنوان اولیه مرکز همانگی مطالعات محیط زیست در دانشگاه تهران تاسیس گردید.

امروزه بنیان های توسعه پایدار اهمیت ویژه ای یافته است و دانشگاه ها باید به عنوان مروج این لایده در میان اجتماع فعال باشند (لاکمن و گلاویچ، ۲۰۰۷: ۱۰۵)، به عبارت دیگر این دانشگاه می باشد که صلاحیت ترویج و آگاهی بخشی در این زمینه را دارد و باید در این زمینه نقش خود را ایفا نماید و در راستای مسئولیت های اجتماعی خود حرکت کند. هر قدر که محتوای یک نظام آموزشی به ترویج مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق در مسایل محیط زیستی اهتمام بورزد، نتیجتاً جامعه نیز به مسایل مرتبط با محیط زیست حساسیت بیشتری از خود نشان خواهد داد. دانش آموخته شده در یک سیستم آموزشی و محتوای آن بر نگرش افراد و عملکرد آنها در آینده تاثیر گذار خواهد بود (یونگ^۱، ۲۰۰۷: ۳۳) برای مثال نتایج نشان داده است که بین محتوای دروس آموزشی در نظام آموزش و پرورش و درونی کردن ارزش های زیست محیطی در دانش آموزان رابطه ی معنادار وجود دارد (شمسی و سرمدی، ۱۳۹۸: ۵) در دانشگاه نیز نظام آموزشی و به تبع آن برنامه ریزی آموزشی در جهت گیری رفتار دانشجویان و نهایتاً فارغ التحصیلان دانشگاهی در خصوص رعایت اخلاق محیط زیستی و حساسیت به مسایل آن بیشترین نقش را دارد.

از آنجائیکه تصمیم گیرندگان آینده در زمینه های منابع طبیعی و محیط زیست ملزم به تصمیم گیری درباره موضوعاتی هستند که فاقد راه حل های واضح و با اطلاعات پیچیده از چالش های اخلاقی هستند. بنابراین، متخصصان منابع طبیعی و محیط این توانایی را داشته باشند که در مورد پیامدهای سیاسی، سیستم های اقتصادی و رفتارهای فردی انسان بر محیط زیست، به طور انتقادی فکر کنند. برای حصول به چنین طرز تفکری دانشجویان باید مهارت های تفکر انتقادی را بیاموزند که به آنها امکان دهد در خصوص موضوعات اخلاقی پیرامون محیط زیست اظهار نظر و اقدام کنند (کوین^۲ و همکاران، ۲۰۰۹: ۵).

آسیبهایی که برخی افراد به طبیعت و محیط زیست وارد می کنند ناشی از عدم آگاهی آنان نسبت به رفتار غیر اخلاقیشان می باشد و دانشگاه می تواند با ارائه آموزش های عمومی به کاهش این آسیب ها کمک کند (ماتیو ریلی^۳، ۱۹۹۵: ۴۵). طبیعتاً دانشگاهی در این زمینه

1 -Young

2 -Quinn et al

3 -Matthews & Riley

توفیق خواهد داشت که ماموریت، چشم انداز و راهبردهای مناسب و درخور برای مواجهه با مساله محیط زیست داشته باشند و بتوانند مسئولیت‌های اجتماعی خود را ایفا کنند. نیکولادیس (۲۰۰۶: ۴۲۰) معتقد است که تلاش متمرکز برای آگاهی بخشی عمومی و آموزش افراد در حوزه توسعه پایدار و حفظ محیط زیست باید از برنامه های اصلی دانشگاه هایی باشد که بر روی مساله محیط زیست متمرکز شده اند. هر دانشگاه مجموعه ای منحصر به فرد است و دارای سنن، فرهنگ و جغرافیایی خاص خود است، هر مجموعه ی دانشگاه با محیط اطراف خود آشنایی کامل دارند و می توانند از دانش موجود و نیروی انسانی آموزش دیده برای رفع مشکلات و مسائل مربوط به سطح محلی و همچنین مربوط به جامعه ملی و جهانی استفاده کنند. دانشگاه ها به لحاظ ماموریت خود می توانند با ایجاد یک شبکه اطلاعاتی منطقه‌ای قوی، اطلاعات را مبادله کنند و همچنین با استفاده از این ابزار باعث ایجاد روابط همسایگی و احترام به حقوق بشر و توسعه اخلاق شوند (جاده‌ها و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۳۰). در حقیقت دانشگاه ها این حق و وظیفه دارند که مشخص کنند در کجا مشکل بروز کرده است و همچنین این صلاحیت را دارند که در یافتن راه حل مشکلات اقدام نمایند. این امر بدیهی است که هم در حوزه اخلاق و هم توسعه پایدار مراکز آموزش دانشگاهی باید وظایف مشخصی را بر عهده بگیرند تا کارایی لازم را داشته باشند.

نتیجه گیری

نقش مهم اخلاق و فلسفه زیست محیطی در جهان امروز قابل تردید نیست. در کشور ما در نظر نگرفتن مسائل زیربنایی محیط زیست مانند اخلاق و فلسفه زیست محیطی، باعث بروز مشکلات فراوانی در حوزه محیط زیست شده است. با توجه به اینکه کشور ایران یک کشور در حال توسعه به شمار می رود و از سویی یک جامعه دینی معتقد به دین مبین اسلام است نمی تواند رویکردهای غربی را به طور صد درصدی برای حل مسایل محیط زیست به کار برد و لازم است گسترش اخلاق محیط زیست بر اساس فرهنگ و اخلاقیات اسلامی و ایرانی پیشبرد یابد و در این میان دانشگاه نقشی مهم برعهده دارد. معمولاً ایجاد و گسترش دانش و آگاهی زیست محیطی، یکی از راهکارهای مطلوب برای فائق آمدن بر چالش‌های زیست محیطی و دستیابی به توسعه پایدار زیست محیطی محسوب می‌شود. در واقع، در اینجا هدف این است که از طریق تربیت و آموزش نیروی انسانی و با ایجاد نگرش زیست محیطی مطلوب، گام مناسب جهت تحقق اهداف توسعه پایدار برداشته شود. دلایل تاریخی این امر به این موضوع بر می‌گردد که تجربه علمی نشان می‌دهد افزایش آگاهی زیست محیطی معمولاً با

رشد آموزش زیست محیطی در دهه ۱۹۷۰ توام بوده است (اشمیت، ۲۰۰۷: ۱). در ایران علیرغم توسعه بالای دانشگاه‌های مختلف در کشور چه در حوزه دولتی و چه خصوصی و گسترش رشته‌های مختلف منابع طبیعی و محیط زیست طی ۱۵ سال گذشته، متأسفانه در بسیاری از این دانشگاه‌ها در سه مقوله هدف، راهبرد و اقدام قابلیت لازم برای ترویج و آموزش و آگاهی بخشی در حوزه محیط زیست را ندارند. نتایج تحقیق صالحی و پازکی نژاد (۱۳۹۳: ۷) نشان می‌دهد که به جز بخشی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی، پزشکی و منابع طبیعی دانش محیط زیستی سایر دانشجویان در این زمینه پایین می‌باشد. این مساله که دانشجویان حوزه‌های علوم محیطی، آگاهی بیشتری نسبت به محیط زیست و مسایل مربوط به آن دارند امری بدیهی است اما عدم آگاهی سایر رشته‌ها از موضوع محیط زیست و از سوی عدم ارتباط بین علوم انسانی بویژه در ساحت اخلاق و فلسفه با علوم محیطی این نکته را روشن می‌سازد که آموزش زیست محیطی در کنار ترویج اخلاق در کل مراکز آموزش عالی جهت دستیابی به محیط زیست سالم تر ضروری است و از طرف دیگر ایجاد رشته اخلاق محیط زیست نیز از ضروریات توسعه پایدار در کشور است. در کشور های توسعه یافته چون فلاندا، کانادا و نیوزلند رشته تحصیلی اخلاق محیط زیست در مقاطع کارشناسی و در حوزه علوم انسانی فعالیت دارند. در حال حاضر در کشور تعداد ۳۰ مراکز آموزش عالی و دانشگاهی مختلف وجود دارند که همانند سایر رشته‌های دانشگاهی تنها به تدریس برخی دروس محیط زیست می‌پردازند و در دروس ارایه شده نیز جایگاه مساله اخلاق و محیط زیست خالی است، لذا لازم است در کنار گسترش رشته محیط زیست که بر مبنای دیدگاه فنی و مهندسی بنا گردیده است مقوله اخلاق در مشارکت با علوم انسانی به عنوان یک موضوع بین رشته‌ای مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود (۱۳۷۹) اخلاق اسلامی. نشر معارف. ۲۴۸ ص.
- سواری ممینی، آمنه، خسروی پور، بهمن (۱۳۹۷). ترویج اخلاق زیست محیطی با تاکید بر تغییر شیوه زندگی. انسان و محیط زیست.
- کریس توف، جی بارو (۱۳۸۰). اصول و روش‌های مدیریت محیط زیست، مترجم مهرداد اندرودی، انتشارت کنگره. ۴۱۰ ص.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۰). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد. آستان قدس رضوی. ۲۵۶ ص.
- شمسی، سیده زهرا، ستمدی، محمدسینا (۱۳۹۸). ارزیابی درونی کردن ارزش‌های زیست محیطی در نظام آموزش و پرورش. فصلنامه انسان و محیط زیست، ۱۷(۲)، ۶۵-۷۸.
- صالحی، صادق، پازکی نژاد، زهرا (۱۳۹۳). محیط زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش زیست محیطی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران. مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۲(۴)، ۱۹۹-۲۲۱.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بخارا انوار. جلد ۶۷ باب ۵۹.

محمدی آشنانی، محمدحسین، محمدی آشنانی، علی و حسنی، الهام (۱۳۷۸). تلفیق اخلاق محیط زیست با رهیافت ارزیابی راهبردی محیط زیست برای دستیابی به توسعه پایدار. اخلاق در علوم و فناوری، ۳(۳و۴)، ۶۲-۷۰.

واعظ مدنی، بهناز السادات (۱۳۹۶). بحران های زیست محیطی ایران، ماهنامه کارایی. شماره ۳۴، بازیابی شده در ۱۳۹۸/۸/۱۰، از <http://karayionline.com/irans-environmental-crisis>

یزدی، محمد (۱۳۸۵). پیمان های بین المللی زیست محیطی. دومین همایش زمین شناسی کاربردی و محیط زیست. اسلامشهر. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، بازیابی شده در ۱۳۹۸/۷/۱۴، از https://www.civilica.com/Paper-CAGE02-CAGE02_033.html

Brink, D. O. (2006). "Some Forms and Limits of Consequentialism", in the Oxford Handbook of Ethical Theory, D. Copp (ed.), and Oxford: Clarendon Press. Clark, S. R. (1995). Environmental ethics. Companion Encyclopedia of Theology. London: Routledge, 843-868.

Corral-Verdugo, V., Bechtel, R. B., & Fraijo-Sing, B. (2003). Environmental beliefs and water conservation: An empirical study. Journal of Environmental Psychology, 23(3), 247-257.

Clugston, R. (2011). Ethical framework for a sustainable world: Earth Charter plus 10 conference and follow up. Journal of Education for Sustainable Development, 5(2), 173-176.

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/ethic>

Esty, D. C., & Emerson, J. W. (2018). From crises and gurus to science and metrics: Yale's Environmental Performance Index and the rise of data-driven policymaking. In Routledge Handbook of Sustainability Indicators (pp. 93-102). Routledge.

Handl, G. (2012). Declaration of the United Nations conference on the human environment (Stockholm Declaration), 1972 and the Rio Declaration on Environment and Development, 1992. United Nations Audiovisual Library of International Law, 11.

Jadhav, A. S., Jadhav, V. V., & Raut, P. D. (2014). Role of higher education institutions in environmental conservation and sustainable development: A case study of Shivaji University, Maharashtra, India. Journal of Environment and Earth Science, 4, 17-29.

Jamieson, D. (2008). Ethics and the environment: An introduction. Cambridge University Press. 234 p.

Lotfalipour, M. R., Falahi, M. A., & Ashena, M. (2010). Economic growth, CO2 emissions, and fossil fuels consumption in Iran. Energy, 35(12), 5115-5120.

Lukman, R., & Glavič, P. (2007). What are the key elements of a sustainable university?. Clean Technologies and Environmental Policy, 9(2), 103-114.

Nasibulina, A. (2015). Education for sustainable development and environmental ethics. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 214, 1077-1082.

Shrader-Frechette, K. (1981). Environmental ethics. In *The Oxford handbook of practical ethics*.

- Nicolaides, A. (2006). The implementation of environmental management towards sustainable universities and education for sustainable development as an ethical imperative. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 7(4), 414-424.
- Matthews, B. E., & Riley, C. K. (1995). *Teaching and Evaluating Outdoor Ethics Education Programs*. 120 p.
- Quinn, C., Burbach, M. E., Matkin, G. S., & Flores, K. (2009). Critical thinking for natural resource, agricultural, and environmental ethics education. *Journal of Natural Resources & Life Sciences Education*, 38(1), 221-227.
- Scarr, S., & McCartney, K. (1983). How people make their own environments: A theory of genotype→ environment effects. *Child development*, 424-435.
- Schmidt J. E. (2007). "From Intentions to Actions: The Role of Environmental Awareness on College Students" .*UW-L Journal of Undergraduate Research*, 6, 1-4.
- Thompson, I. (2007). The ethics of sustainability. In *Landscape and sustainability* (pp. 32-52). Taylor & Francis.
- Vernadsky, V.I. (1991). *Nauchnaya misl kak planetarnoe yavlenie* [Scientific thought as a planetary phenomenon]. Moscow: Nauka.
- Wynn Calder and Richard M. Clugston , *Progress Toward Sustainability in Higher Education* , ELR News & Analysis, 2003 Environmental Law Institute®, Washington, DC. Reprinted with permission from ELR®, <http://www.eli.org>, 1-800-433-5120.
- Young, M. (2007). *Bringing knowledge back in: From social constructivism to social realism in the sociology of education*. Routledge.

Abstract

The destruction of the environment and the decline of renewable resources have accelerated over the last century. The concept of sustainable development emerged in the midst of the twentieth century following the emergence of crises and relying on technical and ethical principles. Universities have been more active in environmental issues since the 1970s. Global experience has shown that incorporating ethics into the concept of sustainable development enables environmental issues to be overcome. On the other hand, the development of the concept of sustainable development depends on the important issue of education, and the educational system plays an important role in this regard. Universities play an important role in the development of environmental ethics as one of the most important pillars of professional development, as well as the venue for the development of high-quality ideas. In Iran, despite the human resources training centers in the field of environment, due to the technical approach in the field of environment, they have not been very successful in expanding the concept of sustainable development and environmental ethics. Creating interdisciplinary expertise in the field of ethics and the environment is essential to achieving sustainable development.

Keywords: Environmental degradation, Ethics, Development, Education